



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

تاریخ: ۲۱ دی ۱۴۰۱

موضوع جزئی: ۲. مال - تفاوت معنای لغوی و عرفی با معنای اصطلاحی - چند نکته در مورد مال -

مصادف با: ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۴

ویژگی های مال

جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تفاوت معنای لغوی و عرفی با معنای اصطلاحی

بحث در بیان چیستی مال و ویژگی های آن بود؛ عرض کردیم از نظر لغوی و عرفی و اصطلاحی، مال تقریباً یک معنا دارد. مال هم در اصطلاح فقها و هم نزد اهل لغت و عرف معنای واضح و روشنی دارد. لکن تنها چیزی که در شرع مورد نظر قرار گرفته، این است که از بعضی از چیزها نهی کرده و همین باعث شده برخی از اشیاء یا منافع شرعاً مال محسوب نشوند. اگر اصطلاح مال شرعی یا المال شرعاً در مقابل مال عرفاً به کار می رود، این به معنای آن نیست که معنای مال نزد فقیهان با معنای مال نزد لغویین و عرف متفاوت است. اساس در همه یکی است؛ معنای مال واضح و روشن است، لکن همان چیزی که در عرف و نزد عموم مردم به عنوان مال شناخته می شود، گاهی یک قیود و محدودیت هایی از ناحیه شرع نسبت به آنها ایجاد شده است. مثلاً خمر نزد عرف مالیت دارد اما نزد شارع مالیت ندارد، و برخی از امور دیگر؛ همانطور که بیع نزد عرف و شارع به یک معنا است، الا اینکه قیودی در کنار آن ذکر شده و برخی از بیوع را مورد نهی قرار داده است، و الا حقیقت و اساس بیع در ادله همان چیزی است که در عرف به آن بیع اطلاق می شود.

بنابراین آنچه در کلمات برخی فقها و بعضی از کتاب های فقهی درباره مال ذکر شده، عمدتاً تحلیل همان حقیقت عرفی است؛ بیان برخی از ویژگی های آن چیزی است که نزد عرف به عنوان مال شناخته می شود، نه اینکه یک معنای متفاوتی برای مال قائل شده باشند. ما به برخی از این عبارات در جلسه گذشته اشاره کردیم، لکن دو سه عبارت دیگر هم باقی مانده که این را ذکر کنیم و ان شاء الله یک جمع بندی در مورد ویژگی های مال داشته باشیم.

ادامه عبارات فقها در مورد مال

۵. مرحوم آقای خوبی که در جلسه گذشته اشاره کردیم به قرابت دیدگاه ایشان به دیدگاه محقق نائینی، ایشان هم معتقد است مال چیزی است که چهار ویژگی داشته باشد: نوع مردم نسبت به آن تمایل داشته باشند. آن را برای استفاده در وقت حاجت ذخیره کنند. برای بدست آوردن با هم رقابت کنند. در مقابل آن و به ازاء آن یک چیزی را که خودش مورد رغبت است، هزینه کنند؛ مثل پول یا غیر پول.

به نظر ایشان مال این ویژگی ها را دارد، تمایل نوع مردم، امکان یا ظرفیت ذخیره کردن برای استفاده در وقت نیاز، اینکه بین مردم برای کسب آن رقابت وجود داشته باشد، به ازاء آن یک چیز با ارزش و مورد رغبت را بپردازند. البته ما خیلی در صدد بررسی و نقد این ویژگی ها که برخی از فقها گفته اند نیستیم؛ چون برخی از این ویژگی ها جای نقد و اشکال دارد. ما فعلاً می خواهیم کلیت ویژگی هایی که برای مال ذکر شده را اشاره کنیم.

۶. مرحوم ایروانی در حاشیه مکاسب می گوید مال دو ویژگی دارد؛ چیزی که این دو ویژگی در آن باشد، به آن مال گفته می شود؛ یکی اینکه مردم برای امور دنیوی و اخروی به آن نیاز داشته باشند؛ دیگر اینکه بدون کار، تحصیل آن ممکن نباشد. این دو ویژگی هم که ایشان گفته خالی از مناقشه نیست.

۷. مرحوم شهید مطهری هم می گوید مال چیزی است که اولاً مورد احتیاج باشد، ثانیاً فراوان نباشد، که رغبتی برای آن وجود نداشته باشد. سوم، قابل اختصاص باشد. ایشان این سه ویژگی را بیان کرده است.^۱ می گوید مال اولاً چیزی است که مردم به آن احتیاج داشته باشند، ولی هر چیزی که محتاج به آن باشند مال نیست، چون مردم به هوا هم محتاج هستند، ولی آنقدر زیاد است که نیازی نیست برای بدست آوردن آن هزینه کنند یا چیزی بپردازند. پس علاوه بر مورد نیاز بودن، کمیابی داشته باشد. سوم اینکه قابل اختصاص باشد؛ یعنی بتواند انتساب به یک شخص پیدا کند؛ اختصاص به یک شخص یا جایی پیدا کند. ممکن است چیزی ارزش داشته باشد و مورد نیاز هم باشد و خیلی زیاد هم نباشد، ولی قابل اختصاص نباشد.

چند نکته در مورد مال

تقریباً انتظار شش یا هفت نفر از اهل نظر را ذکر کردیم. ملاحظه فرمودید اینها به تناسب هر کدام برای مال ویژگی هایی گفته اند؛ از یک ویژگی تا چهار یا پنج ویژگی برای مال ذکر کرده اند. حالا با توجه به آنچه در معنای لغوی و معنای اصطلاحی و ویژگی هایی که در لسان برخی اهل لغت یا برخی از فقها برای آن بیان شده، چند نکته به نظر می رسد باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. یکی همان نکته ای است که در آغاز سخن عرض کردم که هر کجا در ادله شرعی مال به عنوان موضوع حکمی قرار گرفته، این معنایی به جز همان معنای لغوی ندارد. یعنی المال فی القضا یا الشرعیة، به همان معنایی است که نزد عرف معروف است. ما یک اصطلاح خاصی برای مال در قضایای شرعی و آنچه که به عنوان موضوع در ادله ذکر شده، نداریم.

۲. نکته دوم اینکه شارع تنها در محدوده آنچه که نزد عرف به عنوان مال شناخته می شود، دخالت کرده و بعضی از مصادیق را از دایره مال اخراج کرده است. آلات قمار، مشروبات الکلی، خمر، خنزیر و... که اینها را به عنوان مال محترم ندانسته است.

۳. نکته سوم اینکه در طول زمان و در تطوراتی که در مبادلات و معاملات مردم پیش آمده، معنای مال تغییر نکرده و حقیقت مال همان است که در زمان شارع و در زمان پیامبر و بعد از ایشان معروف و متعارف بوده است. عنوان و حقیقت مال و مفهوم مال به همان معنایی است که در گذشته بوده و تغییر اساسی و ماهوی پیدا نکرده است.

۴. اگر این مفهوم دامنه اش آنقدر توسعه پیدا کرد که شامل اعیان و منافع مجازی هم شد، باز هم حقیقت آن مثل مال حقیقی است؛ الان مثلاً پدیده متاورس که یک پدیده کاملاً جدید است و به نوعی یک زندگی مجازی برای بشر درست می کند الان مرزهای مجاز و واقعیت معلوم است، واقعیت زندگی معلوم است، فضای مجازی هم کارکردهای خودش را دارد و بستری شده برای ارائه برخی خدمات و اطلاعات و استفاده هایی که بشر از آن می برد. الان بشر بخواهد به سفر برود، بلیط می خرد و سوار هواپیما می شود و به آن طرف دنیا می رود. بخواهد خرید کند، سفارش می دهد و خریدش را انجام می دهد. در متاورس همه اینها مجازی می شود؛ سفر مجازی است، کأن شما در خانه خود نشسته اید و در سیستم متاورس که فراتر از این اینترنت عادی

۱. مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۴۴۰.

است می‌توانید بلیط تهیه کنید و سوار هواپیما شوید؛ یعنی یک حس واقعی را تجربه کنید. جسم اینجاست اما می‌تواند به عنوان یک گردشگر برود اهرام سه‌گانه مصر را بازدید کند و برگردد. نمی‌خواهم تشبیه کنم، ولی می‌شود مثل طیّ الارض که مجازی است. در طیّ الارض، جسم طیّ الارض می‌کند، اما این می‌شود طیّ الارض مجازی. تمام خصوصیات و حالات حضور در آنجا را تجربه می‌کند. حضور در مراکز خرید در شهرهای مختلف دنیا، مجالس و محافل از هر نوع، مثلاً ممکن است در یک سمینار علمی یا در یک کنسرت کذایی حضور پیدا کند. الان زمین مجازی، ملک و خانه مجازی در متاورس خرید و فروش می‌شود آن هم به قیمت‌های بالا؛ در واقعیت چیزی نیست، اما در متاورس زمین با ابعاد مختلف در جاهای مختلف و با قیمت‌های مختلف، مغازه و خانه، خرید و فروش می‌شود، ولی در عالم خارج چیزی نیست. این پدیده هنوز درست خودش فهم نشده و واقعاً آغاز راه آن است؛ اما بالاخره مال مجازی دارد پدید می‌آید. این خودش جای بحث دارد که آیا ما چیزی به عنوان مال مجازی را می‌توانیم به رسمیت بشناسیم یا نه. اما حتی اگر ما توسعه مفهومی مال را از واقعیت به مجاز بپذیریم، باز ویژگی‌های مال همین است که اینجا بیان می‌شود؛ معنا و مفهوم همان است و تغییر نمی‌کند. یعنی حتی مال مجازی هم از این ویژگی‌ها نمی‌تواند دور شود. بالاخره باید نسبت به آن رغبت وجود داشته باشد، کمیاب باشد، به ازاء آن ثمن پرداخت شود، همین ویژگی‌هایی که برای مال در فضای حقیقی گفته می‌شود، در آن صورت هم وجود دارد. بالاخره مال در طول زمان و تطوراتی که برای آن پیدا شده، از معنا و مفهوم حقیقی و اصلی خودش فاصله نگرفته، ویژگی‌ها همان ویژگی‌هاست لکن ممکن است مرزهای مصادیق آن جابجا شود، که این بحث جداگانه‌ای دارد.

۵. به طور کلی مال مثل بسیاری از امور در زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند. آنجایی که پای طرف دیگری باشد و تعاملی برقرار شود، و الا اگر اجتماع انسانی نباشد، اساساً این ویژگی‌ها بروز و ظهور پیدا نمی‌کند. مثلاً بعضی از ویژگی‌ها این بود که باید رقابت باشد یا رغبت نوع مردم نسبت به آن وجود داشته باشد. پس مال در یک اجتماع انسانی می‌تواند معنا و مفهوم پیدا کند، و الا اگر فرض کنید کسی برود در غاری زندگی کند که هیچ تبادل و تعاملی شکل نگیرد، آنجا شاید عنوان مال تحقق پیدا نکند. ما با گستردگی و کوچکی اجتماع کار نداریم. همان‌جا هم وقتی دو نفر باشند، یک مرد و زن، زن و شوهر یا بچه، با هیچ کسی هم ارتباط نداشته باشند باز این ویژگی‌ها می‌تواند تحقق پیدا کند؛ یعنی یک چیزی مورد رغبت این چند نفر شود یا در آن رقابت داشته باشند؛ آنجا هم می‌تواند تنازع و تعامل شرکت گیرد. بنابراین اجتماع ظرف تحقق مفهوم مال است، ولو یک اجتماع بسیار کوچک؛ اگر یک نفر در کل دنیا باشد و هیچ انسان دیگری نباشد، اینجا اصلاً مال معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند. این نکات باید مورد توجه قرار گیرد.

ویژگی‌های مال

حال با عنایت به آنچه که گفته شد، می‌توانیم بگوییم برای مال ویژگی‌هایی مسلم است.

ویژگی اول

در برخی از عبارات بود که مال چیزی است که دارای منفعت یا خصوصیت باشد. البته این محل اختلاف است؛ برخی فقط روی منفعت تکیه کرده‌اند و می‌گویند چیزی که منفعت نداشته باشد مال نیست. منتهی منفعت نزد آنها یک دامنه وسیعی دارد و می‌گویند این منفعت اعم از مادی و معنوی است. یعنی منفعت را جوری معنا می‌کنند که خصوصیت هم مشمول این مفهوم قرار

می‌گیرد. می‌گوید همین قدر که کسی می‌خواهد اثری از پدرش یا جدش را حفظ کند، این خودش یک منفعت است، منتهی منفعت معنوی است و نه مادی؛ بهره روحی می‌برد از اینکه چیزی را نگه می‌دارد؛ این را می‌بیند و خاطرات گذشته برای او تجدید می‌شود، به هر حال انگیزه‌های مختلفی برای حفظ آن شیء می‌تواند در نظر داشته باشد. اما اصل منفعت قابل انکار نیست؛ بالاخره مال چیزی است که دارای منفعت باشد، یا خصوصیت داشته باشد در صورتی که منفعت را شامل خصوصیت ندانیم.

باز هم تأکید می‌کنم که آنچه ما در بیان ویژگی‌های مال می‌گوییم، همه تحلیل همان معنای معروف و واضح نزد عرف است، نه اینکه این ویژگی‌ها را بخواهیم اختراع کنیم.

ویژگی دوم

دوم اینکه ندرت و کمیابی داشته باشد. واقعاً اگر چیزی بسیار زیاد باشد مثل الماء فی جنب الانهار، این دیگر مالیت ندارد و مال نیست. پس مسأله ندرت و کمیابی یکی دیگر از ویژگی‌های مال است؛ لذا آن چیزهایی که به وفور در اختیار همگان است مثل هوا، این مال محسوب نمی‌شود. ویژگی که می‌گوییم اینها همه بسط آن معنای واضح عرفی است.

ویژگی سوم

سومین ویژگی این است که عقلاً به آن رغبت داشته باشند و مورد رغبت عقلاً باشد. البته این ناشی از همان کمیابی است که گفتیم؛ طبیعتاً به چیزی که کمیاب باشد رغبت دارند، یعنی به غیر از رغبتی که به هوا دارند؛ چیزی که مورد رغبت عقلاً باشد، به نحوی که حاضر باشند به ازاء آن ثمن بپردازد، این مال محسوب می‌شود؛ این در کلام مرحوم آقای خوبی و امام(ره) هم بود.

سؤال:

استاد: رغبت نوعی، یعنی غالب مردم به آن رغبت داشته باشند، ولو ممکن است عده‌ای هیچ رغبتی هم نداشته باشند. ... یک منفعتی برای نوع باشد، نه اینکه برای همه. الان فرض کنید حشرات اینجا برای جامعه ایرانی و بسیاری از مردم کشورها هیچ منفعتی ندارند، اما در کشورهای شرق آسیا مثل چین و بعضی جاهای دیگر، از غذاهای بسیار لذیذ محسوب می‌شود؛ انواع و اقسام حشرات را می‌خورند. همین مارمولک‌های معمولی البته مضرات آن حذف می‌شود، اینها را خشک کرده در مغازه‌ها می‌فروشند؛ انواع و اقسام سوسک‌ها. مثل اینجا کنار خیابان لبو داغ می‌کنند و می‌فروشند یا گاهی قدیم‌ها فلافل در تابه سرخ می‌کردند و می‌فروختند، در آنجا کنار خیابان از این سوسک‌ها سرخ می‌کنند و خیلی هم با لذت می‌خورند. الان در اینجا هیچ منفعتی برای آن متصور نیست، لکن آنجا منفعت و اقبال نسبت آنها هست، حالا کم یا زیاد به حسب موارد فرق می‌کند. در اینگونه موارد به حسب ازمنه و امکانه یک تفاوتی پیدا می‌شود؛ الان اینجا مال نیست و کسی حاضر نیست به ازاء آن ثمن بپردازد؛ بله، برای یک مرکز تحقیقاتی که می‌خواهد کار آزمایشگاهی و تحقیقاتی انجام دهد، ممکن است این ارزش داشته باشد ولی برای عامه مردم هیچ ارزشی ندارد. اما آنجا چون برای نوع مردم این منفعت متصور است و رغبت به آن وجود دارد، این مالیت دارد.

می‌خواهم عرض کنم که ملاک این است که برای نوع منفعت داشته باشد و این امر اضافی و نسبی است؛ به حسب امکانه و

ازمنه متفاوت می‌شود. اما راجع به یک شخص، برای یک شخص ممکن است یک چیزی ارزش پیدا کند و حاضر باشد به ازاء آن پول زیادی بپردازد؛ این قابلیت اختصاص دارد و حتی ممکن است برای گروه خاصی این ارزش را داشته باشد، اینجا مثلاً فرض بفرمایید طیفی از مردم به خاطر عقایدشان یا تمایلات درونی خود برای چیزی ارزش قائل باشند؛ نمی‌توانیم بگوییم چون برای غالب مردم منفعت ندارد پس مال نیست. بالاخره در محدوده همان اجتماع این مال محسوب می‌شود و می‌توانیم بگوییم این مال است. اینکه من عرض کردم این یک امر اضافی و نسبی است، یعنی ما به حسب زمان و مکان و آن اضافه‌ای که به اشخاص پیدا می‌کند باید لحاظ کنیم. ما الان نمی‌توانیم بگوییم مطلقاً سوسک و حشرات مال نیستند یا هستند. لذا منفعت داشتن مسلم است، حالا این منفعت مراتب دارد؛ گاهی برای جمیع بشر و گاهی برای مردم یک منطقه و مردم یک شهر، این به حسب موارد متفاوت است.

بحث جلسه آینده

دو سه ویژگی دیگر هست و بعد هم باید اشاره‌ای داشته باشیم به فرق مال و مالیت که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»